

Validity of testimony, its types and positive value in the realm of laws and legal policies of societies subject to the common law system(Study community: USA)

Abstract:

The testimony of witnesses as one of the proofs of litigation has an important role in various legal systems of the world, including the common law. Formally, testimony in the unwritten legal system (common law) is basically oral and is in the form of inquiry and interrogation (interrogation) so that it is possible to discover the truth. In this way, the main and reciprocal question is the three forms of questioning of witnesses or witnesses in countries subject to the common law system, including the United States. Thematically, testimony is divided into direct and indirect testimony, which has been discussed in this study. Also, the conflict of testimony, the role of the judge in evaluating the testimony, priority in direct and indirect testimony, etc. are other issues that have been addressed. The purpose of this study is to explain the issue by examining the place of this positive reason in practice and judicial procedure, based on the laws of societies subject to the common law system, especially the United States. The research method used is descriptive analytical method and in this regard, the opinions of scholars and jurists have been used. In the end, according to the presented materials, we have come to the conclusion that testimony, despite some differences in the laws of countries, has been accepted as one of the reasons for proving litigation, and despite the restrictions on changing the laws and regulations in The evolution of legal systems has been applied, today it plays an important role in the proceedings and regulation of legal policies of societies under the common law system.

Keywords: Validity of testimony, Commonwealth system, USA, direct and indirect testimony, conflict of testimony, laws and legal policies

اعتبار شهادت، اقسام و ارزش اثباتی آن در قلمرو قوانین و سیاست های حقوقی جوامع تابع نظام کامن لا (جامعه مورد مطالعه: آمریکا)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۹

میلاد میرزایی^۱

رضا شکوهی زاد^۲

نجداعلی الماسی^۳

چکیده:

شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا، نقشی مهم در نظام های حقوقی مختلف دنیا از جمله کامن لا دارد. از نظر شکلی، شهادت در نظام حقوقی نانوشته (کامن لا) اصولاً شفاهی بوده و به شیوه استعلام و بازپرسی (استنتاجی) است به گونه ای که امکان کشف حقیقت میسر باشد. در شیوه مذکور، پرسش اصلی و متقابل و مجدد سه شکل پرسش از شاهد یا شاهدان در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا از جمله آمریکا است. از نظر موضوعی نیز شهادت به شهادت مستقیم و غیر مستقیم تقسیم شده است که در این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. همچنین تعارض شهادت، نقش دادرسی در ارزیابی شهادت، اولویت در شهادت مستقیم و غیر مستقیم و... از دیگر موضوعاتی است که به آن پرداخته شده است. هدف این پژوهش آن است تا با تکیه بر قوانین جوامع تابع نظام کامن لا به خصوص آمریکا، ضمن بررسی جایگاه این دلیل اثباتی در عمل و رویه قضایی، به تبیین موضوع پرداخته شود. روش تحقیق به کار رفته، روش تحلیلی توصیفی است و در این راستا از نظرات علما و حقوقدانان استفاده شده است. در پایان با توجه به مطالب ارائه شده به این نتیجه رسیده ایم که ادای شهادت با وجود برخی تفاوت ها در قوانین کشورها، به عنوان یکی از دلایل اثبات دعوا پذیرفته شده است و با وجود محدودیت هایی که نسبت به آن در تغییر قوانین و مقررات در سیر تحولات نظام های حقوقی اعمال شده است، امروزه نقش مهمی در دادرسی ها و تنظیم سیاستهای حقوقی جوامع تابع نظام کامن لا ایفا می کند.

کلمات کلیدی: اعتبار شهادت، نظام کامن لا، آمریکا، شهادت مستقیم و غیر مستقیم، تعارض شهادت، قوانین و سیاست های حقوقی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران Milad1368qw@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

rshokoohizadeh@ut.ac.ir

^۳ استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران naalmasilaw@gmail.com

در تمامی نظام های حقوقی دنیا از شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا نام برده شده است. در این بین بررسی نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا (به عنوان کشوری که تابع نظام حقوقی کامن لا است) جهت ارتقای نظام حقوقی ادله اثبات دعوا و تبیین مبانی آن مفید فایده است. در نظام حقوقی نانوشته (کامن لا) طرفین دعوا می توانند به عنوان شاهد در دادرسی حضور یابند. در نظام حقوقی کامن لا اصل بر آن است که شهادت شهود شفاهی باشد و شکل کتبی شهادت صرفاً در بعضی موارد به طور استثناء یا در مواردی که حضور گواه در دادگاه ممکن نیست پذیرفته می شود (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۶۳). شیوه استعمال و بازپرسی (استنتاجی) در کشورهای کامن لا مانند آمریکا متداول است و از سوی قضات این کشورها نیز به شدت مورد دفاع قرار گرفته است (Buckles, 2003: 13). در اکثر کشورهای کامن لا از جمله آمریکا اتیان سوگند شاهد پیش بینی شده است. شاهد باید سوگند بخورد که تمام حقیقت را بگوید گرچه این اختیار را نیز دارد که سکوت کند اما در صورت تمایل به شهادت مکلف به راستگویی است مگر آن که شاهد در موقعیتی باشد که نتواند معنا و اهمیت سوگند را درک نماید مانند صغیر. در باب موضوع شهادت در حقوق کامن لا شهادت بر شهادت برای اثبات واقیعت و صحت موضوع قابل اقامه است. در گذشته شهادت بر مسموعات در نظام حقوقی کامن لا به دلیل مشکلات در تعیین اعتبار و قابلیت استناد آن ها اصولاً فاقد ارزش اثباتی شناخته شده بود ولی با تصویب قانون ادله اثبات دعوا در سال ۱۹۹۵ در حقوق انگلیس، اصل بر پذیرش شهادت بر مسموعات قرار گرفت مگر غیر قابل پذیرش یا بی ارتباط بودن شهادت اثبات شود. ماده یکم آن قانون مقرر می دارد: در دادرسی های حقوقی هیچ دلیلی به صرف این که شهادت بر مسموعات می باشد غیر قابل قبول اعلام نمی شود. البته ماده مذکور، غیر قابل پذیرش بودن شهادت بر مسموعات را به جهات دیگر امکان پذیر اعلام می کند. بند یکم ماده مزبور شهادت بر مسموعات را در فرضی که ادا کننده شهادت بر مسموعات در هنگام درک اظهارات گوینده اولیه صغیر بوده باشد غیر قابل پذیرش اعلام می نماید (کریمی، ۱۳۸۹: ۲). نوع دیگر از شهادت در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا مانند آمریکا، شهادت استفاضه است و در مواردی که به شاهد دسترسی نیست به کار می رود و نیازی به اثبات عدم دسترسی به شاهد نیست. موضوع شهادت مبتنی بر استفاضه (شیاع یا شهرت) در نظام حقوقی کامن لا مانند آمریکا محدودیتی ندارد و همه موضوعات را در بر می گیرد. در مورد شرایط شاهد، عموم شرایط همان شرایطی است که در مورد شرایط شاهد در حقوق ایران بیان شده است. سیر تحولات قوانین به سمتی است که دست قاضی دادگاه را در پذیرش یا عدم پذیرش شهادت شهود باز گذارد و میزان ناشایستگی ها یا عدم اهلیت ها برای شهادت دادن را کم یا حذف کند. در نظام حقوقی نانوشته (کامن لا) حداقل سن برای شهادت دادن ۱۴ سال است و عدم اهلیت به سبب شرایط شاهد یا قرابت نسبی یا سببی تنها به عنوان اسباب جرح شناخته شده است. در نظام حقوقی کامن لا شهادت دادن اجباری نیست. ماده ۹۱۱ قانون ادله اثبات ایالت کالیفرنیا^۱ در ایالات متحده آمریکا که در سه بند تنظیم شده است شاهد را ملزم به ادای شهادت می کند. در بند یک قانون مذکور بیان شده است: به جز مواردی که قانون استثنا کرده هیچ کس حق امتناع از شاهد شدن را ندارد. در بند دوم آمده است: هیچ کس حق ندارد از افشای موضوعی یا نوشتن چیزی امتناع کند. در بند سوم بیان شده است: هیچ کس حق ندارد به دیگری بگوید که

^۱ Fed. Rules. Evide: Rule 911

شهادت ندهد یا چیزی را فاش نکند و چیزی ننویسد. شهادت دروغ در نظام حقوقی کامن لا مانند ایران مجازات دارد. در نظام حقوقی کامن لا، وکلای دادگستری به جهت حفظ اسرار حرفه ای از ادای شهادت معاف شده اند (سجادی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۵۳).

در حقوق کامن لا باید اظهارات شهود با موضوع شهادت ارتباط داشته باشد، منظور آن است که دلایل مستقیمی به امور مورد اختلاف مربوط باشند. در کشورهایی مانند آمریکا، شهادت برای اثبات هر واقعه مورد اختلافی پذیرفته می شود. در نظام حقوقی کامن لا همه مواردی که می تواند در اعتبار شهادت موثر باشد از جمله را سنگویی شاهد و حقیقی بودن وقایع بیان شده، مورد توجه و بررسی قرار می گیرد (Dennis, 1999: 38). برای احراز را سنگو بودن شاهد مواردی مانند نفع شاهد در دعوا، دوستی، خویشاوندی با یکی از اصحاب دعوا و درجه این امور، منبع اطلاعات شاهد (اطلاعات مستقیم یا غیر مستقیم)، مطابقت اظهارات با مقدمه و موخره وقایع و دیگر دلایل مورد توجه قرار گرفته و پس از احراز را سنگویی شاهد، به توانایی های جسمی و روانی وی نیز پرداخته می شود که برای بررسی این توانایی ها به سه عنصر اساسی توجه می شود: فهم، به حافظه سپردن و بیان وقایع، قابلیت های جسمی و روانی شاهد برای مطابقت اظهارات بیان شده با واقع که سهم مهمی در همه این امور ایفا می نماید. اگر قاضی پس از بررسی موارد لازم به این نتیجه برسد که بیانات شاهد متیقن نیستند می تواند دستور ارائه ادله تکمیلی دهد یا شهادت شاهد را غیر قابل استماع و غیر موثر در جریان دعوا اعلام کند. تعداد شهود در نظام حقوقی کامن لا نسبت به گذشته اهمیت کمتری یافته است بدین مفهوم که محکمه با یک شاهد نیز می تواند یقین حاصل نماید. امروزه همان طوری که جرمی بتنام گفته است: ((شهادت ها ارزیابی می شوند و شمارش نمی شوند.))، کشف حقیقت در نظام حقوقی کامن لا (مانند امریکا) فقط به کمک دلیل امکان دارد و اساساً هیچ محدودیتی در این خصوص جز آنچه که بعضاً قانون گذار یا رویه قضایی پیش بینی کرده است وجود ندارد. در حقوق آمریکا، دلیل باید مرتبط با دعوا، اساسی و قابل پذیرش باشد و شایستگی لازم برای اثبات دعوا را داشته باشد^۱ در صورتی که طرفین دعوا برای اثبات دعوا دلیل بیاورند ولی قاضی ادله ارائه شده را ناکافی بدانند، دعوا را مختومه می کند، البته باید به این موضوع توجه داشته باشیم که میزان ایجاد اطمینان از ادله در تصمیم قاضی دادگاه موثر است و چه بسا ممکن است از طریق شکی معقول پی به درستی و کفایت دلیل یا ادله ارائه شده ببرد و رای خود را بر مبنای آن صادر نماید (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

۱- کامن لا، تاریخچه و سیاست های حقوقی آن

کامن لا به حقوق عرفی، نظام رویه قضایی و سابقه قضایی هم معروف است، نوعی نظام حقوقی است که از سال ۱۰۶۶ میلادی به بعد توسط دادگاه های شاهی انگلستان ایجاد شد. در واقع سیاست های نظام حقوق کامن لا اساساً بر اساس حقوق ساخته دست قضات و دادگاه ها است تا قوانین مصوب قوه مقننه و اقدامات اجرایی قوه مجریه (داوید

^۱-The basic prerequisites of admissibility are relevance and material and competence. (Fed. R. of Evid: Code: 401, 402, 403, 410)

۱۳۸۳). ظهور نظام حقوقی رومی - ژرمنی در دو قرن دوازدهم و سیزدهم به وسیله نهضت‌هایی که توسط مراکز فرهنگی و حقوقی در اروپای غربی به ویژه در ایتالیا به وجود آمد شکل گرفت؛ این ظهور با مطالعات حقوق روم در دانشگاه‌ها آغاز شد و در طول پنج قرن که دکترین (عقاید علمای حقوق) بر نظام‌های مختلف حاکم است، اجرای این سیاستها در کشور های مختلف متحول می‌گردد و تولد مکتب حقوق فطری به علاوه دکترین، زمینه را برای دوره‌ی حکومت قانون بر نظام‌ها که هنوز هم در آن هستیم فراهم می‌سازند. در قرن هجدهم، کوشش‌هایی توسط بعضی از مؤلفان برای تنظیم حقوق آلمان و ساختن رقیبی از آن برای حقوق مشترک که حقوق رم مظهر آن بود به وجود آمد، اما دیگر دیر شده بود تا جایی که پروفیسور سالی می‌گوید: خواست طرد حقوق رم از طریق وضع یک مجموعه قانون در پایان قرن نوزدهم، در واقع ایجاد یک قانون آلمانی بود. به طور کلی مبنای سیاستهای نظام حقوقی رومی-ژرمنی را قواعد حقوق روم و تعلیمهای اخلاقی مذهب مسیح و افکار آزادی خواهانه حکیمان قرن هجدهم تشکیل می‌دهد (بارکر، ۱۳۸۳: ۴۳). با این که در دو سده اخیر اجتماعی شدن حقوق در غالب این کشورها مورد توجه واقع شده است هنوز هم انسان و آزادی‌ها و شخصیت او هدف و مبنای قواعد حقوق است: (Kelly, 2010:21). در نظام حقوقی رومی-ژرمنی بر خلاف نظام حقوقی کامن لا قانون مهمترین منبع حقوق است و اصول کلی را باید در متون قوانین جستجو کرد و قوای مملکت به سه شعبه ممتاز و مستقل تقسیم می‌شود: قوه مقننه مأمور وضع قوانین و قوه قضائیه و مجریه عهده دار اجرای آن است. برای جلوگیری از تجاوز به قانون و بازرسی آرای محاکم، دیوان عالی در راس قوه قضائیه قرار گرفته است و هماهنگ ساختن آرای قضائی و رعایت قانون را تضمین می‌کند (Black, 2004). معمولاً در کشورهایی که نظام حقوقی رومی ژرمنی بر آن حاکم است، نظام سیاسی مبتنی بر تفکیک قوا نیز بر آن کشور حاکم است. اگر چه در فرهنگ‌های مختلف و نیز در بسیاری از نوشته‌های حقوقی، کامن لا به حقوق عرفی معرفی می‌گردد و این سخن، دیدگاه مشهور و غالب را به خود گرفته است لیکن برخی بر این باور اند که سیاستهای حقوق کامن لا به صورت نظامی که هدفش تحقق بخشیدن به عدالت باشد جلوه گر نشده است؛ بلکه بیشتر مجموعه‌ای از آیین‌های دادرسی ویژه برای ارائه راه حل اختلافات در موارد بیش از پیش متعدد است که اصولاً از رسیدگی به پرونده‌های قضایی و دعاوی به وجود آمده است لذا نمی‌توان کامن لا و به تبع آن حقوق انگلستان را یک حقوق عرفی دانست و ادعای عرف عمومی باستانی کشور پادشاهی که کامن لا از لحاظ نظری بر آن مبتنی است، هرگز چیزی جز فرض صرف نبوده است (Buckles, 2003: 34). کامن لا برخی از قواعد خود را از عرف‌های محلی متنوع که سابقاً اجرا می‌شد، اقتباس کرده است، لیکن روند تشکیل کامن لا بر فراهم آوردن یک حقوق قضایی بر پایه‌ی عقل به جای حقوق عرفی دوره‌ی آنگلو ساکسون استوار بوده است به این جهت این اندیشه برخلاف نظر مشهور که کامن لا را به «حقوق عرفی» معنا می‌کند، معنای دیگر برای آن ارائه می‌دهد و همانند پاره‌ای از نوشته‌های حقوقی اصطلاح «حقوق مشترک و همگانی» را برای آن شایسته و بر می‌گزیند (بارکر، ۱۳۸۳: ۲۳). از لحاظ قلمرو مکانی، نظام حقوقی کامن لا در کشور های انگلیس و آمریکا و کانادا و ایرلند شمالی و استرالیا و جزایر آنتیل انگلستان وجود دارد. مبنای سیاستهای حقوقی این کشورها را نیز اخلاق ناشی از مذهب مسیح و سیاست مربوط به حمایت از فرد و آزادی او تشکیل می‌دهد و رفته رفته در حقوق آن‌ها قواعدی وضع شده که با قواعد گروه رومی ژرمنی شباهت فراوان دارد. از سوی دیگر رویه قضایی در کشور های اروپای غربی در سازگار کردن قوانین با نیاز های اجتماع چنان سهم موثری در قرن اخیر پیدا کرده است که می‌توان ادعا کرد که دیگر متن

قانون احترام و قدرت گذشته را از دست داده است. در حقوق کامن لا منبع اصلی حقوق قواعدی است که قضات در دادگاه ها اعمال کرده اند. حقوق کامن لا حقوقی عرفی است منتها نه به معنایی که ما از عرف و عادت می فهمیم و در واقع منظور از عرف رویه ای است که دادگاه ها بین خود مرسوم کرده اند یعنی در واقع عرف بین دادگاه ها که اصولاً نیز پای بند به آن هستند (Kelly, 2010: 45).

۲- شهادت در نظام حقوقی کامن لا

اصل در شهادت آن است که شاهد صداقت دارد و آنچه را که می گوید مطابق با حقیقت است، لکن برخی اوقات خلاف آن به اثبات می رسد مانند آن چه تحت عنوان جرح گواه در حقوق ایران بیان شده است.^۱ به طور کلی در قوانین ملی کشورها هیچ تعریفی از شهادت ارائه نمی دهند. پلانیول و ریپر بیان کرده است: شاهد شخصی است که گاه به طور اتفاقی و گاه بنا به درخواست طرفین، در موقع انجام فعل یا واقعه مورد انکار حاضر بوده و در پی آن می تواند وجود، کیفیت یا نتایج آن را برای قاضی تایید نماید (Buckles, 2003).

تعاریف مشابهی در گزارش های ملی به چشم می خورد. برخی گزارش ها تصریح کرده اند که شاهد شخصی غیر از طرفین یا بیگانه نسبت به دعوا یا ثالث نسبت به قضیه است که این کاملاً موضع کشورهای رومانیست و کشورهای دارای حقوق اسلامی است. (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

شاهد در حقوق کشورهای نانوخته (کامن لا) چنین تعریف شده است: شخصی که از حادثه یا واقعه ای که مبتنی بر علم اوست شهادت شفاهی می دهد. بنابراین شاهد در حقوق کشورهای غیر نوشته، هر شخصی است که در دادگاه گواهی می دهد و این تعریف شاهد، کارشناس و آنانی را که صحت و سقم مدارک و اسناد ارائه شده به دادگاه را می سنجند نیز در بر می گیرد. همچنین طرفین دعوا نیز می توانند به عنوان گواه در دادرسی حضور یابند. در حقوق کشورهای کامن لا برخی نویسندگان در تعریف شهادت بیان داشته اند: شهادت اعلامی است که همراه سوگند انجام می شود. (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۳۵). به طور کلی می توان گواهی را عبارت دانست از اخبار از واقعه ای از جانب هر شخص اعم از ثالث و یا طرفین دعوا و متخصص و یا غیر متخصص به طور شفاهی نزد مرجع قضاوتی (Doyle, 2007).

در حقوق آمریکا شهادت به عنوان دلایل شفاهی یا کتبی که توسط گواه واجد شرایط با ادای سوگند ارائه گردد^۲ تعریف شده است. شاهد شخصی است که جرمی را که اتفاق افتاده است می بیند یا اطلاعات مهمی درباره تحقق جرم کیفری یا دعوی حقوقی را می شنود.^۳

^۱ - Testimony is a kind of evidence, and it is often the only evidence that a judge has when deciding a case. When you are under oath in court and you are testifying to the judge, what you say is considered to be truthful unless it is somehow challenged (rebutted) by the other party.

(womenslaw.org/laws/preparing-court)

^۲ - Fed. Rules. Evid: Rule 603

^۳ - A witness is a person who saw heard the crime take place or may have important information about the crime or the defendant. Both the crime or the prosecutor can call witnesses to testify or tell what they know about the situation. What the witness actually says in court is called testimony. (law.cornell.edu/wex/testimony)

در ایالت کالیفرنیا در آمریکا، به وکلای دادگستری هفت ساعت زمان داده می‌شود تا از شاهدان، گواهی شهادت بگیرند. در ایالت مذکور، شاهد بر خلاف آنچه در برنامه‌های تلویزیونی نمایش داده می‌شود ملزم نیست برای ادای شهادت دستش را روی کتاب مقدس بگذارد و سوگند بخورد. در صورتی که شاهد بداند که آن چیزی که نسبت به آن شهادت می‌دهد واقعیت ندارد و با وجود علم و آگاهی بر این موضوع، شهادت بدهد، مجازات می‌شود در تبصره ماده ۱۸ تصویب‌نامه قانون کالیفرنیا بیان شده است: هیچ شخصی را نمی‌توان صرفاً با شهادت متناقض فرد دیگری غیر از متهم به شهادت دروغ محکوم کرد. (مفاد تبصره مذکور به اثبات اتهام شهادت دروغ اشاره دارد یعنی به صرف تناقض شهادت نمی‌توان شهادت فردی که شهادت داده است را زیر سوال برد)؛ برای دادگاه کافی نیست که ثابت کند شاهد، شهادتش دروغ است بلکه هم چنین باید اثبات کند که شاهد با علم و اطلاع از خلاف واقع بودن شهادت، شهادت داده است. (Roach, 1991:134). گرچه در اکثر کشورها در غالب موارد ادای شهادت همراه سوگند انجام می‌گیرد اما سوگند به عنوان عنصر لازم در شهادت به شمار نمی‌آید. بیشتر تعاریفی که از شهادت شده، در مورد شهادت مستقیم بیان شده است یعنی درباره اعلام شخص حاضر هنگام انجام فعل یا وقوع واقعه مورد انکار که دارای شناختی شخصی از وقایع مورد نزاع است. با وجود این، با توجه به گستردگی شهادت غیر مستقیم در جهان کنونی، همان گونه که گزارش‌های ملی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد بهتر است این عنصر در تعریف ذکر نگردد (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

۳- شرایط اعتبار شهادت:

در آمریکا و به طور کلی در حقوق کشورهای تابع نظام کامن‌لا، در صورتی که شهادت شهود واجد شرایط لازم و کافی باشد برای صدور حکم محکومیت کافی است اما گاهی اوقات شرایطی وجود دارد که بر اساس آن امکان صدور حکم محکومیت بر اساس شهادت وجود ندارد (Doyle, 2007: 98). حقوق کشورهای کامن‌لا تا قرن ۱۹ میلادی، شهادت برخی افراد را فاقد اعتبار می‌دانست زیرا اهلیت لازم برای شهادت دادن را نداشتند (Strong, 1999). در قرون گذشته طبقات متعددی از اشخاص قادر به شهادت دادن نبودند، بدین صورت ادله طرفین دعوی حقوقی و همسرانشان محدود شده بود زیرا ممکن بود که بر اساس منافع شخصی شهادت دهند. مجرمین هم حق شهادت دادن نداشتند زیرا سخنانشان قابل اعتماد نبود. ملحدین (منکرین خدا) هم قادر به ادای شهادت نبودند زیرا حق سوگند یاد کردن نداشتند. ذی نفعان مالی نیز حق شهادت دادن نداشتند؛ غیر مسیحیان و آن دسته از مسیحیانی که وسواس بیش از حدشان مانع سوگند خوردنشان به کتاب مقدس می‌شد نیز صلاحیت ادای شهادت را نداشتند (خانلری، ۱۳۸۹: ۴۶).

در حقوق سابق کشورهای غیر نوشته (کامن‌لا)، چند طبقه انسانی بودند که کلاً یا جزاً ممنوع از ادای گواهی بودند که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم (خانلری، ۱۳۸۹: ۴۶-۵۴):

۱. غیر مسیحی‌ها- تا انتهای قرن ۱۷ میلادی قانون این بود که گواهی باید به موجب سوگند ادا شود و باید به انجیل سوگند خورده شود. اگر ثابت می‌شد که گواه به انجیل اعتقاد ندارد، غیر صالح برای ادای گواهی شناخته می‌شد. بعضی‌ها یهودیان را هم همچون کفار و بت پرستان در این طبقه می‌گنجانند. همان طوری که ملاحظه می‌شود، در

مقررات قدیم در حقوق کامن لا، کسی که قادر به سوگند با انجیل نبود امکان ادای شهادت برای او وجود نداشت که به نظر می‌رسد این امر برای احراز اماره راستگویی بوده است.

۲. محکومین - تا قرن ۱۹ میلادی شخصی که یک بار محکوم و مجازات شده بود برای باقی عمرش دیگر شایستگی شهادت دادن نداشت، قطعاً مواردی مثل خیانت، گواهی کذب، داخل در جرم ارتكابی بود. امروزه عدم صلاحیت آن‌ها کاملاً منسوخ شده است.

به موجب قانون راجع به حقوق مدنی محکومین مصوب ۱۸۲۸ به محکومین مستعد برای ادای گواهی، بعد از اجرای حکمشان اجازه داده می‌شد که شهادت دهند مگر این که محکومیت آنان مربوط به دادن شهادت دروغ بود که در این صورت حق شهادت دادن نداشتند.

۳. ذی نفع - تا قرن ۱۹ میلادی کسانی که نفع مالی یا حق مالکیت در نتیجه دادرسی داشتند صالح برای ادای شهادت نبودند که قانون دلایل مصوب ۱۸۴۳ عدم اهلیت به واسطه منفعت را نسخ کرد.

اگرچه شاید وجود این ویژگی یعنی ذی نفع بودن گواه، اصل بی طرفی را خدشه دار نماید، اما شاید نتوان به صرف ذی نفعی شاهد، شهادت او را نپذیرفت زیرا در حقوق کشورهای غیر نوشته، تشخیص ارزش و تاثیر شهادت با دادگاه است به طوری که برای دست یابی به حقیقت از هیچ گونه پرسشی دریغ نمی‌کنند.

۴. طرفین - در اکثر دادرسی‌های مدنی، در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا، طرفین دعوا صلاحیت ادای گواهی را نداشتند و نمی‌توانستند طرف دیگر را به عنوان شاهد معرفی نمایند، اما امروزه طرفین، صلاحیت ادای گواهی را دارند و قابل اجبار به حضور در محکمه برای شهادت دادن هستند (قانون دلایل مصوب ۱۸۵۱). امروزه راجع به صلاحیت ادای گواهی طرفین و امکان اجبارشان به حضور در محکمه شکی نیست و این بدین معنی است که خواهان می‌تواند خواننده را مجبور به ادای گواهی نماید.

در حقوق کشورهای غیر نوشته (کامن لا)، غالباً گواه قبل از ادای گواهی سوگند یاد می‌کند که سوگند وی در نزد دادگاه دارای ارزش بسیار بالایی است، در حالی که خواننده را نمی‌توان سوگند داد و یکی از ادله‌ای که خواهان می‌تواند از آن استفاده نماید این است که از خواننده به عنوان گواه استفاده نماید و امکان دارد به علت ذی نفع بودن خواننده در دعوا، این گواهی قابل خدشه باشد، اما همان طوری که قبلاً بیان شد، دادگاه با استفاده از پرسش‌های مختلفی که از سوی وکلای طرفین دعوا صورت می‌گیرد به حقیقت امر دست پیدا خواهد نمود.

۵. همسران طرفین - در حقوق کشورهای غیر نوشته، همسران دعوا غیر صالح برای ادای گواهی بودند از هر جنسی که باشند و خواه گواهی راجع به حوادثی مربوط به ایام ازدواج می‌بود یا قبل از ادواج، مهم نبود که ازدواج قبل از وقوع حادثه منعقد شده باشد یا حتی بعد از شروع دادرسی، همچنین خواهان در چنین فرضی نمی‌توانست همسر مطلقه خواننده را برای اثبات قراردادی که در خلال ازدواجشان منعقد شده است فرا خواند.

امروزه بر طبق قوانین موضوعه که دعاوی مدنی را تحت تاثیر قرار می‌دهد همسران طرفین، صلاحیت ادای گواهی را دارند و قابل اجبار جهت حضور در دادگاه می‌باشند. البته باز هم به نظر می‌رسد، عدم پذیرش شهادت همسران طرفین دعوا، به مسأله ذی نفع بودن باز می‌گردد اما دادگاه با روش پرسش از شاهد به حقیقت امر دست می‌یابد، بنابراین ذی نفع بودن یا نبودن، موثر در مقام نمی‌باشد. (Dennis, 1999: 97).

در حقوق ایران، شهادت همسران طرفین، تنها از موارد جرح گواه محسوب می‌شود، به طوری که اگر مورد جرح طرف دیگر دعوا قرار نمی‌گرفت، گواهی او قابل پذیرش بود، اما تشخیص ارزش تاثیر گواهی با دادگاه بود بدون این که روش پرسش از گواه که در کامن لا معمول است، در این جا رعایت شود (خزائی، ۱۳۸۳: ۴۶). بنابراین با توجه به مطالب فوق در حقوق کشورهای غیر نوشته، شهادت این پنج دسته قابل پذیرش نبود به عبارتی روشن تر گواهی آنان قابلیت استماع نداشته است که گواهی دو دسته اول یعنی غیر مسیحی ها و محکومین به علت خدشه دار شدن اماره راستگویی قابل پذیرش نبوده و گواهی سه دسته دیگر (ذی نفع و طرفین و همسران طرفین) به علت خدشه دار شدن اصل بی طرفی شاهد، مسموع نبوده است اما در این کشورها چون دادگاه روش پرسش از گواه را معمول می‌داشت، بنابراین عدم پذیرش گواهی این پنج دسته را خالی از وجه دانسته و در قرن ۱۹ میلادی که زمان حاکمیت مقررات جدید می‌باشد، گواهی این پنج دسته را مسموع دانسته است (خانلری، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۳).

۴- ارزش اثباتی شهادت در مقررات

بر اساس ماده ۶۰۲ قوانین فدرال^۱: شهادت عبارت است از آن چه در جریان دادرسی در دادگاه توسط شاهد صالح گفته می‌شود. در حقوق آمریکا نیز مانند سایر کشورهای تابع نظام کامن لا، شاهد باید به سوالاتی که از وی پرسیده می‌شود صادقانه پاسخ دهد، خونسرد باشد، طوری وانمود نکند که همه چیز را می‌داند، با وکیل مشورت کند و... که رعایت این موارد در جلسه دادرسی، کمک موثری به قاضی در کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه و منطبق بر واقعیت و قانون می‌نماید.

بر اساس قوانین فدرال در آمریکا، اگر شاهد چهار شرط زیر را داشته باشد صلاحیت برای ادای شهادت را دارد (Strong, 1999: 189).

۱- شاهد با درک کامل از موضوع شهادت، سوگند یاد کند و یا به جای سوگند، جایگزین دیگری داشته باشد زیرا ممکن است شاهد یک کودک خردسال باشد که از نظر عقلی ناتوان است.^۲

۲- شاهد باید چیزی را که مربوط به موضوع دعوا است با حواس خود درک کرده باشد.^۳

۳- شاهد باید هر آنچه را که کرده و متوجه آن شده است به یاد بیاورد. اگر شاهد فراموش کند که درباره چه چیزی باید شهادت دهد، قانون این اجازه را می‌دهد که در به یاد آوردن موضوع به او کمک شود، مثلاً ذینفع شهادت دادن شاهد می‌تواند از دادگاه تقاضای وقت استراحت کند تا شاهد بتواند چند قدمی راه برود و کنترل حواس خود را به دست آورد یا ذی نفع می‌تواند سوال های مربوط به موضوع شهادت را از وی بپرسد تا بتواند آن چه را می‌خواهد درباره آن شهادت دهد به یاد آورد.

۴- شاهد باید قادر باشد چیزی را که متوجه آن شده است و آن را درک کرده است به دیگران انتقال دهد.^۴ این انتقال مطالب و ارتباط با شخص دیگری که مورد نیاز است می‌تواند از طریق نوشتن یا از طریق مترجم و یا از طریق زبان اشاره باشد.

^۱ - Fed. Rules. Evid: Rule 602 .

^۲ - Fed. Rules. Evid: Rule 701, 710

^۳ - Fed. Rules. Evid: Rule 702

^۴ Fed. Rules. Evid: Rule 701

قوانین دیگری برای صلاحیت شهادت وجود دارد که مربوط به شرایط خاص است مانند قانونی که هیات منصفه عموماً برای استیضاح حکم خود ناتوان است. حداقل در دادگاه فدرال، یک قاضی در جلسه دادرسی که ریاست آن را بر عهده دارد، صلاحیت شهادت دادن را ندارد^۱ در مقررات جدید در کشورهای غیر نوشته، یعنی از قرن ۱۹ میلادی به بعد محدودیت هایی که برای برخی از افراد در ادای گواهی در مقررات قدیم وجود داشت حذف شده است و امروزه هر شخصی که از صحت عقل و فهم کافی برخوردار باشد صلاحیت ادای گواهی را دارد. اما با این وجود عده ای از افراد فاقد صلاحیت هستند که در ذیل مورد بحث قرار می گیرند: (خانلری، ۱۳۸۹: ۷۳).

۱. اطفال: این موضوع که آیا طفل شایستگی لازم برای ادای شهادت را دارد یا خیر به میزان ادراک او از واقعیت و به خصوص فهم او از ماهیت سوگند بستگی دارد و ارزیابی این موارد بر عهده قاضی است.

۲. اشخاصی که دچار اختلالات هوشی هستند: صلاحیت چنین اشخاصی نیز مانند اطفال منوط به میزان درکشان از ماهیت سوگند است، اگر قاضی مقرر بدارد که گواهی این دسته مقبول می شود، در این صورت طرف دیگر دعوا همواره می تواند به وسیله پرسش متقابل یا با طلب نظر پزشکی به اعتبار وی ایراد کند.

در حقوق ایران عقل مبین اماره درک درست از واقع می باشد، در حالی که در حقوق کامن لا به دلیل این که اشخاصی که دچار اختلالات هوشی هستند قادر به درک ماهیت سوگند نیستند از ادای گواهی منع شده اند.

در حقوق آمریکا که تابع نظام حقوقی کامن لا است، مبنای سومی برای عدم اهلیت اضافه شده است تحت عنوان قانون شخص مرده که به موجب آن چنانچه دو طرف درباره موضوعی صحبت کنند و یا معامله ای انجام دهند و سپس یک طرف فوت نماید یا دیوانه گردد، طرف باقی مانده نمی تواند راجع به آن معامله یا صحبت گواهی دهد چنانچه که بخواهد اموال متوفی را را بر اساس همان معامله یا مکالمه تحت تعقیب قرار بدهد. چون چنین فردی انگیزه و نیز فرصتی دارد برای جعل و یا تغییر رنگ ماجرا به سود خود، قانون شخص مرده هدفش حمایت از اموال متوفی در مقابل ادعاهای غیر صادقانه است، اما در عین حال ممکن است از ادعای فردی ممانعت نماید که در چنین وضعیتی از صداقت برخوردار است. البته بعضی از کشورها این قاعده را عوض کرده اند و به چنین شخصی اجازه گواهی داده اند ولی گواهی او باید تقویت و تایید شود تا بر اساس آن قاضی بتواند حکم بدهد و یا قاضی می تواند با گواهی او به همراه نوشته متوفی راجع به موضوع حکم دهد.

۳. قضات و اعضای هیات منصفه: یک شخص نمی تواند در یک دعوا هم قاضی باشد و هم شاهد، چنانچه منصب قضا را به منظور ادای گواهی ترک کند، دیگر نباید قبل از پایان محاکمه به میز قضاوت باز گردد و چنانچه او تنها قاضی دادگاه باشد، این امر منجر به اعراض کردن از استماع دعوا خواهد بود. پذیرفته شده که قاعده ای مشابه برای اعضای هیات منصفه ای که به عنوان شاهد در جریان محاکمه در دادگاه فراخوانده می شوند باید اعمال گردد.

در این کشورها، بعضی قضات، شاهدان را از ادای گواهی ممنوع می کنند تا این که نوبتشان برای ادای گواهی فرا رسد بدین نحو که گواهی آن ها نسبت به آنچه که از گواهان قبلی شنیده یا دیده اند نافذ نخواهد بود اما قاعده حقوقی که متضمن این محرومیت باشد، وجود ندارد بلکه این امر تنها امری موضوعی است و مبتنی بر تشخیص قاضی محکمه است.

^۱ - Fed. Rules. Evid: Rule 703, 1150

در مقررات جدید در کشورهای غیر نوشته، همه افراد شایستگی ادای گواهی را دارند به غیر از اطفال و اشخاصی که دچار اختلالات هوشی هستند، آن هم در صورتی که از نظر دادگاه قادر به درک ماهیت سوگند نباشد، چرا که در این کشورها عدم درک از ماهیت سوگند، اماره راستگویی را خدشه دار می‌نماید و هر عاملی که این اماره را که اماره ای مهم نقلی می‌شود خدشه دار نماید، دادگاه هیچ اعتبار و ارزشی برای آن قائل نخواهد بود و همچنین عدم پذیرش گواهی قضات و اعضای هیات منصفه در دعاوی که در آن نقش دارند به دلیل رعایت اصل بی طرفی دادرسی است که در این کشورها از ارزش بالایی برخوردار است، اما وجود سایر ویژگی‌ها در گواه مانند ذی نفع بودن یا وجود رابطه خویشاوندی، مانع از استماع گواهی نمی‌باشد، چرا که با اعمال تکنیک پرسش از گواه از طرف دادگاه یکی دیگر از جنبه‌های منفی گواهی از بین می‌رود (Kaplan & Waltz, John, 1984).

در حقوق آمریکا، اعضای خانواده یا همسر اصولاً می‌توانند شاهد امضای یک سند قانونی باشند و چنین شهادتی معتبر است، اما باید توجه داشت این عدم ممنوعیت برای شاهد بودن همیشگی نیست و گاهی مواقع پیش می‌آید که یکی از اعضای خانواده یا همسر یکی از طرفین قرارداد طرف قرارداد نیستند ولی از قرارداد امضا شده نفعی می‌برند و ذی نفعی آنان در صورت اثبات موضوع، مانع پذیرش شهادت آن‌ها خواهد بود (Strong, 1999).

۵- نقش دادرسی در ارزیابی شهادت

در شیوه استنتاجی (استعلام و بازپرسی)، قاضی دادگاه و طرفین دعوا امکان طرح سوال از شاهد را دارند البته شهادت مکتوب نیز تحت شرایط و محدودیت‌هایی پذیرفته شده است. قاضی در نظام حقوقی کامن‌لا به هنگام طرح دعوا به جای استفاده از مواد قانونی و اصول کلی حقوقی به مقایسه عناصر دعوی مطرح شده با دعوی رسیدگی شده قبلی و آرای که دادگاه‌ها بیشتر در مورد آن موضوع صادر کرده‌اند می‌پردازد و در صورت شباهت بین عناصر دو دعوا، رای مشابه صادر می‌نماید اما اگر قاضی تشخیص دهد که دعوی اخیر اساساً با دعوی سابق متفاوت است از آن قاعده عدول کرده و حکم جدید صادر می‌نماید و این رای خود سابقه جدیدی ایجاد می‌نماید. این رویه، قاعده سابقه نام دارد (Eliot, 1972: 278). اولین مزیت کاربرد این قاعده، صرفه جویی در وقت قاضی برای پیدا کردن حکم دعواست. وقتی در خصوص دعوی گذشته حکمی صادر شده باشد، صدور رای بعدی در دعوا با کشف واقعیات مشابه راحت‌تر انجام می‌گیرد. علی‌رغم این که به نظر می‌آید قاعده سابقه موجب رکود و عدم توسعه نظام حقوقی کامن‌لا است ولی طرق مختلفی وجود دارد که قاضی می‌تواند از این قاعده عدول نموده و با توجه به اوضاع و احوال جامعه، احکام متناسب صادر نماید. برای نمونه ممکن است قاضی تشخیص دهد که در دعوی گذشته استنباط درستی از دلیل تصمیم نشده و یا اساساً مستند رای اشتباه بوده که در این حالت با استناد به دلیل ارائه شده و بر اساس استنباط خود، حکم جدیدی صادر می‌نماید. همچنین محاکم تجدید نظر می‌توانند احکام دادگاه‌های مادون را رد کنند و با ارائه استدلال منطقی و جدید خود، به نحو دیگری رای صادر نمایند (خانلری، ۱۳۸۹: ۳۲).

در مقررات قدیمی در نظام حقوقی کشورهای غیر نوشته (کامن‌لا)، در دعوی مدنی، استفاده از گواهی در حد وسیع و گسترده‌ای رایج بوده است اما برای این که جنبه‌های منفی گواهی را از بین ببرند روش پرسش از شاهد معمول

نبوده است بلکه بعضی از افراد را از ادای شهادت منع نمودند. سنجش دلایل در حقوق انگلیس سنجشی تقریباً عملی بوده است و اگر قاضی، شکی معقول درباره دلایل نداشت باید بر حسب مقتضای آن دلایل رای می داد که یکی از این دلایل گواهی بوده است. اکنون که مقررات جدید حاکم است قاضی می تواند گواهی گواهان یک طرف را بر گواهی گواهان طرف دیگر ترجیح دهد. با روش پرسش از گواه که از طریق وکلای طرفین اعمال می شود شاهد در وضعی قرار می گیرد که نتواند خلاف واقع گواهی دهد. وکلای طرفین بر اساس تخصصی که در طرح پرسش دارند چنان مسلط عمل می کنند که اگر گواه قابل اعتماد نباشد یا مودای گواهی او درست نباشد بر دادگاه روشن شود که شهادت فاقد ارزش است. گواهان از بیم آن که مبادا وکیل طرف مقابل مدارکی برای خلاف بودن اظهارات آنان در اختیار داشته باشد به سهولت دروغ نمی گویند اما باید توجه داشت برای تشخیص ارزش گواهی هنگام ادای گواهی یک گواه، سه پرسش از او صورت می گیرد که عبارت اند از: (Roach, 1991).

پرسش اصلی: پرسش از شاهد طرف دعوا، از سوی وکیل او پرسش اصلی نامیده می شود. یعنی شاهد از جانب طرفی مورد تحقیق قرار می گیرد که توسط همان طرف دعوا به عنوان شاهد معرفی شده است. موضوع این تحقیق، آشکار ساختن حقایق دعوی است که به سبب آن گواه را معرفی کرده است. نباید از شاهد سوالاتی پرسیده شود که او را هدایت به جواب مشخصی نماید و آن سوالات تلقینی نامیده می شود یعنی آن سوالاتی که جواب هایی را به ذهن گواه می رساند که مد نظر سوال کننده است.

پرسش متقابل: به پرسش از گواه طرف دعوا از سوی وکیل طرف مقابل به منظور تخفیف اثر شهادت، پرسش متقابل گویند. موضوع این پرسش می تواند اعتراض به اعتبار شاهد باشد. در پرسش های متقابل، ممنوعیتی در مورد پرسش های تلقینی و نحوه پرسش وجود ندارد، همچنین مانعی در خدشه دار کردن اعتبار گواه وجود ندارد. در دادگاه های فدرال آمریکا و اکثر ایالات آن، پرسش متقابل را محدود به مواردی ساخته اند که گواه در پرسش اصلی ابراز داشته است، پرسش متقابل باید پرسش اصلی را تعدیل کند یا با آن مخالفت نماید (خانلری، ۱۳۸۹: ۸۵).

پرسش مجدد: ممکن است شاهد از طرف خود معرفی کننده مورد تحقیق مجدد قرار گیرد که مربوط به موضوعات پرسش متقابل است. احضار و تحقیق از گواه توسط وکلای دادگستری در حقوق انگلیس و آمریکا رویه معمول است. قاضی نیز حق پرسش دارد اما این حق باید محتاطانه به کار رفته و برای وضوح بیشتر توضیحات باشد و سوال جدید نپرسد که این امر مبین اهمیت بالای اصل بی طرفی دادرسی در نظام حقوقی کشورهای غیر نوشته است. هیات منصفه نیز تنها می توانند سوالات خود را توسط قاضی دادگاه بپرسند. در نظام حقوقی کشورهای غیر نوشته اصولاً تشخیص ارزش گواهی با قاضی دادگاه است اما در برخی کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، آن گاه که دادرسی مستلزم مشارکت هیات منصفه است از آنجا که ارزش اثباتی به عنوان مساله ای ماهوی در نظر گرفته می شود، این هیات منصفه است که ارزیابی ارزش اثباتی را بر عهده دارد نه قاضی، در این مورد، قاضی دادگاه قدرت اظهار نظر ندارد مگر آن که نظر هیات منصفه مغایر با عقل و منطق باشد که در این صورت نیز قاضی دادگاه باید هیات منصفه دیگری تشکیل دهد و نمی تواند خود جانشین آن ها شود. (خانلری، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

۶- توان اثباتی شهادت و موارد تحدید آن

منظور از توان اثباتی شهادت^۱ بدین معناست که بدانیم شهادت، توان و قدرت اثبات چه دعاوی را دارد؟ در نظام حقوقی کشورهای غیر نوشته، شهادت برای اثبات هر واقعه مورد نزاع بدون تفکیک بین اعمال حقوقی^۲ و وقایع حقوقی^۳ و بدون محدودیت از حیث توان شهادت، پذیرفته می‌شود.

محدودیت توان اثباتی شهادت تنها از آثار به جا مانده از نظام دلایل قانونی و برتری دلیل مکتوب است. با این وجود در این نظام حقوقی هیچ شرطی برای پذیرش گواهی از لحاظ آنچه باید اثبات شود وجود ندارد اما می‌توان امور بسیار استثنایی را ذکر کرد که گواهی برای اثبات آن‌ها پذیرفته نمی‌شود (اسمعیلی، ۱۳۹۹).

در حقوق کشورهای غیر نوشته مانند آمریکا، هیچ شرطی برای پذیرش گواهی از لحاظ آنچه باید اثبات شود وجود ندارد اما می‌توان امور بسیاری را ذکر نمود که گواهی برای اثبات آن‌ها پذیرفته نمی‌شود. در حقوق آمریکا و انگلیس قاعده ای تحت عنوان قاعده ادله شفاهی^۴ وجود دارد؛ این قاعده مانع از پذیرش گواهی علاوه بر مفاد مدارک کتبی یا مغایر با آن‌ها می‌شود و این تنها استثنای عمده اصل پذیرش گواهی در این نظام حقوقی است (Tapper, 1990).

قاعده این است که هنگامی که واقعه ای به حکم قانون یا بر اثر توافق طرفین نوشته شد با دلیل شفاهی نمی‌توان آن را تغییر داد یا تکذیب کرد و یا شرایط آن را کم و زیاد کرد. دلیل شفاهی در مقابل سند اعم از عادی و رسمی پذیرفته نمی‌شود. اما این قاعده استثنائاتی هم دارد که از قرار ذیل می‌باشد (Eliot, 1972: 298):

۱. اسناد عمومی مانند اعلان‌های رسمی درباره ظرفیت کشتی که خلاف آن را با دلیل شفاهی (گواهی) می‌توان ثابت کرد.

۲. گواهی برای بیان ماهیت یک واقعه یا رابطه حقوقی اصحاب دعوا پذیرفته می‌شود اگرچه این دلیل مخالف با سند باشد به عنوان مثال، اگر معامله ای مطابق با سند قطعی باشد با گواهی می‌توان ثابت کرد که این معامله با حق استرداد است.

۳. هنگامی که قانونا تنظیم سند برای معامله لازم نیست ولی طرفین سندی برای آن معامله تنظیم کرده اند و محکمه از مضمون سند در می‌یابد که معامله باید شرایطی غیر آنچه در سند آمده است داشته باشد در این جا نیز گواهی قابل پذیرش است.

۴. قراردادی که قانون تنظیم سند را برای آن لازم ندانسته است، اگر طرفین آن قرار دارد، سندی را برای آن تنظیم کنند هر وقت که بخواهند شفاها می‌توانند آن را فسخ کنند، گواهی برای این فسخ^۵ پذیرفته می‌شود. بنابراین با توجه به مطالب فوق باید بیان داشت در این نظام حقوقی نیز، گواهی مغایر با مفاد و مندرجات اسناد قابل پذیرش نیست، همچنین در حقوق ایران، گواهی تنها در صورت مخالفت با مفاد و مندرجات اسناد رسمی پذیرفته نمی‌شود یعنی گواهی توان اثباتی ندارد در حالی که در کشورهای غیر نوشته، گواهی در صورت مخالفت با مفاد و مندرجات اسناد عادی نیز، توان اثباتی نخواهد داشت که این امر مبین اهمیت بالای دلیل مکتوب در این نظام حقوقی می‌باشد اما با این وجود، عدم پذیرش گواهی در مقابل مفاد و مندرجات اسناد در این نظام حقوقی استثنائاتی نیز دارد.

^۱- Positive power of testimony.

^۲- Legal acts.

^۳- Legal events

^۴- Rule of oral evidence

^۵- Terminate.

نکته ای که از استثنائات مذکور می توان استنباط نمود خصوصا از بندهای ۳ و ۴، این است که در مواردی که قانونا تنظیم سند لازم باشد نمی توان با گواهی خلاف مندرجات و مفاد این اسناد را اثبات نمود. در هر حال در این کشورها عدم توان اثباتی گواهی در مقابل سند مطلق نبوده و استثنائاتی را در بر می گیرد. گواهی در ایالات متحده به عنوان مهمترین و قانع کننده ترین طریقه اثباتی در نظر گرفته می شود اما این اصل در این ایالات با استثنائاتی روبرو است و این استثنائات عبارت است از این که زمانی که از لحاظ قانونی برای اعتبار و صحت قراردادی، نوشته لازم است، گواهی توان اثباتی این قراردادها را نخواهد داشت. به عبارتی دیگر در ایالات متحده، توان اثباتی گواهی در موارد مستلزم تنظیم سند، محدود خواهد شد. (Eliot, 1972: 278).

۷- تعارض شهادت

در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا مانند آمریکا، به هر طرف دعوا اجازه داده شده که با شاهد خود که او را معرفی نموده است مخالفت کند و این امر در صورتی است که گواهی وی به نفعش نباشد. اگر شاهد، دعوا را علیه آن کسی که او را فراخوانده است اثبات کند، آن فرد تنها می تواند واقعیت را با گواهی اثبات نماید اما با سایر ادله نمی تواند ثابت کند که گواه به سوگند خویش وفادار نبوده است. در این مورد، در این کشورها تعارض بین دو گواهی صورت می گیرد که تشخیص ارزش و تاثیر هر یک از آن ها با دادگاه می باشد (Phipson, 1922: 134).

موضوع مهم در رابطه با تعارض شهادت^۱ با سند آن است که در نظام حقوقی کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا، مدعی برای اثبات ادعای خود، علی الاصول بایستی دلیل اصلی ارائه دهد. این مطلب تحت عنوان (قاعده بهترین دلیل) مورد بررسی قرار گرفته است. در حال حاضر تنها مصداقی که از این قاعده در این کشورها باقی مانده این است که ادله دیگر (ادله درجه دوم) تاب مقاومت در برابر سند را ندارد و در صورت وجود سند، این ادله قابل استماع نمی باشد. (خانلری، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

در آمریکا نیز که تابع نظام حقوقی کامن لا است، دلیل درجه دوم مانند گواهی در مقابل دلیل اصلی مانند سند از ارزش اثباتی کمتری برخوردار است به طوری که در حقوق ایران نیز می توان بیان داشت، شهادت به عنوان دلیل درجه دوم در مقابل سند که دلیل اصلی محسوب می شود، از ارزش اثباتی کمتری برخوردار است (Strong, 19۹۹: ۲۰۱).

۸- انواع شهادت

۸-۱- شهادت مستقیم:

شهادت مستقیم شهادتی است که مستقیما یک واقعیت اساسی را در موضوع دعوا اثبات می کند. برای مثال در پرونده ای مربوط به قتل، شاهد شهادت می دهد که متهم را در حال آسیب رساندن و کشتن متهم دیده است.

^۱- Conflict of testimony.

^۲- Rule of the reason

منظور از مستقیم بودن آن است که یک شخص مجبور نیست هیچ‌گونه استنباط یا فرضی برای اثبات دعوا انجام دهد (Phipson, 1922: 76). شهادت مستقیم در پرونده‌های حقوقی و کیفری می‌تواند به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا مطرح باشد. در یک دعوای کیفری، قوانین ایالات متحده آمریکا به دادستان اجازه می‌دهد تا متهم را صرفاً بر اساس شهادت مستقیم محکوم کند.

مثال‌های شهادت مستقیم می‌تواند شامل (Tapper, 1990: ۱۳۲):

۱- دیدن متهم که مرتکب جرم شده است.^۱

۲- شنیدن این که شخص دیگری کلمات خاصی را به زبان می‌آورد^۲

۳- مشاهده اتفاق افتادن عمل خاصی^۳. برای مثال یک شاهد شهادت می‌دهد که هوا بارانی بوده است. این آگاهی و علم شخصی، یک مدرک مستقیم برای اثبات این موضوع است که در هنگام تحقق جرم، هوا بارانی بوده است. همچنین در یک پرونده کیفری که متهم مظنون به ورود غیر مجاز^۴ است و با شراکت^۵ فرد دیگری انجام گرفته است، شریک جرم بیانیه‌ای را امضا می‌کند که نشان دهنده اعتراف وی مبنی بر کمک به متهم اصلی جرم برای تحقق آن جرم است. این موضوع یک مدرک مستقیم مبنی بر گناهکار بودن متهم اصلی است.

۲-۸- شهادت غیر مستقیم:

بر خلاف شهادت مستقیم، شهادت غیر مستقیم مستقیماً یک واقعیت اساسی را اثبات نمی‌کند. در چند بند این موضوع مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۸- شهادت بر مسموعات:

در آمریکا، قوانین ادله اثبات اکثر ایالات، حاوی مقرراتی در خصوص تعریف شهادت بر مسموعات (hearsay) هستند. تعریف ارائه شده در قانون ایالت ویومینگ در اغلب ایالات دیگر آمریکا نیز پذیرفته شده است. بند ج ماده ۸۰۱ قانون ادله اثبات^۶ این ایالت شهادت بر مسموعات (شنیده‌ها) را به شرح زیر تعریف کرده است: اظهاری که توسط شخصی غیر از آن کسی که در دادگاه به آن شهادت می‌دهد، بیان گشته است و به عنوان دلیلی جهت اثبات صحت مطالب بیان شده ارائه شده است. تعریف دیگری که از شهادت بر مسموعات (شنیده‌ها) مطرح می‌شود تعریف آن به اظهاری است که در خارج از دادگاه صورت گرفته و توسط شخص دیگری به عنوان دلیل برای اثبات صحت ادعایی در دادگاه نقل می‌گردد (Watson, 1999: 32).

۲-۲-۸- معیار تشخیص شهادت بر مسموعات

جهت تشخیص شهادت بر مسموعات باید به دو موضوع توجه کرد یعنی دو ملاک را مد نظر قرار داد. اول آن که آیا این سخنان خارج از دادگاه بیان شده است و ثانیاً این سخنان و اظهارات برای اثبات واقعیت امر بوده است یا خیر. (

^۱- Saw an accused commit a crime.

^۲- Heard another person say a certain word or words.

^۳- Observed a certain act take place.

^۴- Burglary

^۵- Partnership.

^۶- Fed. Rules .Evid :Rule 801

Black, 2004: 122). برای مثال شاهدهی در محکمه عنوان می‌دارد: صبح آن روز همسایه به من گفت که دیده است خواننده همسر خود را می‌زند. در این مثال اگر هدف از ادای این شهادت اثبات این امر باشد که خواننده همسر خود را ضرب و شتم می‌کرده است، شهادت بر مسموعات محسوب می‌شود و ارزش اثباتی ندارد. اما اگر هدف از ارائه این شهادت اثبات امری دیگر (همانند صحبت شاهد با همسایه) در آن روز باشد، این شهادت، شهادت بر مسموعات (شنیده‌ها) محسوب نشده و واجد ارزش اثباتی می‌باشد. (Buckles, 2003: 76).

۳-۲-۸- اعتبار شهادت بر مسموعات:

شهادت بر مسموعات (شنیده‌ها) در نظام حقوقی نانو شته (کامن لا) اصولاً فاقد اعتبار و ارزش اثباتی است لکن در مواردی که در قوانین ادله اثبات دعوا و رویه قضایی آمده است ارزش اثباتی پیدا می‌نماید. یکی از قضات آمریکایی در خصوص قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات می‌گوید: شاید هیچ قاعده حقوقی به قدر این قاعده، وکلا و قضات را آزار نداده و به طور یکسانی از ناحیه ایشان نادرست فهمیده نشده باشد. یکی از دلایل قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات حمایت از هیات منصفه در مقابل الزام به ترتیب اثر دادن به اظهارات خارج از دادگاه به عنوان دلیل است (کریمی و شکوهی زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۱). اظهارات خارج از دادگاه یا دست دوم تنها در صورتی می‌توانند مورد توجه دادگاه قرار گیرند که گوینده اولیه واقعیت را عنوان کرده و بتواند به طوری دقیق مطالب بیان شده را بازگو و با یکدیگر مرتبط نماید. در فرضی که گوینده اولیه در دادگاه حضور ندارد، امکان اثبات ارزش و اعتبار اظهارات بیان شده بسیار اندک می‌باشد. به دلیل کاستی‌های شهادت بر مسموعات (شنیده‌ها) است که دادگاه‌ها عموماً از شهود می‌خواهند که اطلاعات شخصی خود را در خصوص موضوع بیان دارند و نه آنچه که به ایشان گفته شده است (گلوردی، ۱۳۹۲). اثر پذیرش چنین قاعده‌ای آن است که فرد شاهد باید در نزد قاضی دادگاه حاضر شود و شهادتی به همراه سوگند دهد و به طرف مقابل نیز فرصت پاسخگویی داده شود اما با توجه به سیر تغییرات در سیاست‌های حقوقی و قوانین کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا پذیرش چنین قاعده‌ای کم رنگ شده است و با استثنائاتی روبرو شده است.

۴-۲-۸- استثنائات قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات:

استثنائات وارد بر قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات بسته به میزان ارزش اثباتی به دو دسته تقسیم می‌گردد: فرضی که اثبات عدم امکان حضور گوینده اولیه ضروری نمی‌باشد و فرضی که باید احراز گردد که گوینده اولیه جهت ادای شهادت در دسترس نمی‌باشد. تمامی استثنائات وارد بر قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات در حقوق ایالات متحده بر خلاف حقوق انگلستان که مبتنی بر رویه قضایی و عرف است مبتنی بر قانون می‌باشد (Kaplan & Waltz, John, 1984: 187). مواد ۸۰۳ و ۸۰۴ قواعد فدرال ادله اثبات در آمریکا، این استثنائات را پیش بینی کرده است. این مواد استثنائات پیش بینی شده را بر مبنای شرایط پذیرش و اعمال آن‌ها به دو دسته تقسیم کرده است. برخی از این استثنائات تنها در فرض عدم دسترسی به شاهد مستقیم پذیرفته شده و قبول دسته دوم چنین شهادت‌هایی منوط به اثبات این امر نیستند؛ باید توجه داشت به صرف آن که یک شهادت از جمله

استثنائات باشد، پذیرش آن به عنوان دلیلی معتبر تضمین نمی گردد؛ چنین شهادتی باید واجد دیگر شرایط مقرر برای قابلیت استماع ادله نیز باشد که از جمله این شرایط می توان به مقررات مربوط به مرتبط بودن دلیل (relevance of the reason) با موضوع دعوا و قابلیت اثبات آن در صورت پذیرش، اصالت، نظریه کارشناسی، امتیازات (points) و قاعده بهترین دلیل اشاره کرد. (Strong, 1999: 54).

نخستین گروه عمده از استثنائات وارد بر قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات (شنیده ها) مربوط به موردی می باشد که گوینده اولیه برای ارائه شهادت در دسترس نمی باشد. در برخی موارد این امر می تواند در نتیجه عدم حضور فیزیکی گوینده اولیه باشد. (ممکن است گوینده اولیه فوت کرده باشد و یا بیمار باشد)، گاهی ممکن است گوینده اولیه از محل رفته و تلاش برای یافتن وی به نتیجه نرسیده باشد. در بسیاری موارد ممکن است گوینده اولیه به صورت فیزیکی حاضر باشد اما امکان تحصیل شهادت وی وجود نداشته باشد. برای مثال، ممکن است شاهد از ادای شهادت خودداری کرده و یا قادر به یادآوری اطلاعات مورد نظر نباشد. در حقوق کامن لا به عنوان یک اصل کلی می توان گفت هنگامی که گوینده اولیه به طور تقصیر کارانه از ادای شهادت خودداری می نماید یا اشخاص ثالث به طور تقصیر کارانه مانع وی از ادای شهادت گردند شهادت بر اظهارات وی پذیرفته می گردد (کریمی و شکوهی زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۹-۲۲۰).

چهار مصداق این استثناء از جهت قابلیت مقایسه با حقوق ایران از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در جدول زیر به بررسی آن خواهیم پرداخت:

جدول ۱: استثنائات قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات (کریمی و شکوهی زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۲-۲۲۹).

توضیحات

شهادت بر شهادت: در صورتی که شهادی که اکنون به وی دسترسی وجود ندارد، سابقاً شهادتی داده باشد، این شهادت در دعوی که در جریان می باشد نیز دارای ارزش اثباتی است مشروط بر آن که در زمان ادای شهادت در دادرسی سابق طرفی که اکنون شهادت علیه وی مورد استناد قرار گرفته است، آن شهادت را مورد استجواب و تعرض قرار داده باشد. در کشورهای تابع نظام حقوق کامن لا مانند امریکا، پذیرش شهادت بر شهادت تنها شامل فرضی می گردد که شهادت اولیه در دادگاه مطرح شده باشد در حالی که در حقوق ایران اگرچه محدوده پذیرش شهادت بر شهادت از لحاظ مصادیق عدم دسترسی به شاهد اولیه محدودتر از نظام حقوقی کامن لا است اما ضرورتی ندارد تا شهادت اولیه در دادگاه مطرح شده باشد.

در جریان تعقیب قتل یا یک پرونده حقوقی، زمانی که مرگ شاهد اصلی بر پایه اوضاع و احوال، قریب الوقوع است شهادت بر شهادت شاهد اصلی پذیرفته می شود.

شهادت بر اظهارات
شاهد اصلی هنگام تعقیب
قتل یا یک پرونده حقوقی
مصادیق عدم دسترسی به شاهد
اولیه در دادگاه مطرح شده
باشد

ع بودن مرگ:
مادنامه علمی

اظهارات بر خلاف منافع گوینده؛ چنانچه به گوینده اولیه دسترس نباشد یکی دیگر از استثنائات وارد بر قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات می باشد. برای پذیرش شهادت بر این اظهارات، بایستی مفاد این اظهارات در زمان بیان آن ها چنان مغایر با منافع مالی گوینده اولیه بوده و یا وی را در معرض مسئولیت حقوقی یا کیفری ای قرار دهد که شخصی معقول در موقعیت گوینده اولیه، اقدام به بیان ان اظهارات ننماید مگر آن که معتقد به صحت آن اظهارات باشد..

در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا (مانند آمریکا)، پذیرش شهادت بر اقرار منوط به اثبات عدم دسترس به مقر می باشد اما در حقوق ایران محدودیتی برای پذیرش این شهادت وجود ندارد و نیازی به اثبات عدم امکان حضور مقر در دادگاه وجود ندارد. البته این دو نظام حقوقی از این جهت مشابه می باشند که در هر دو، شهادت بر اقرار دارای ارزش شهادت می باشد نه اقرار.

شهادت بر اظهارات مربوط به تاریخچه شخصی یا خانوادگی که گاهی از آن به عنوان اظهارات مربوط به شجره نامه یاد می گردد، پذیرش شهادت بر اظهارات مربوط به سابقه شخصی یا خانوادگی گوینده اولیه را امکان پذیر می سازد. این اطلاعات مواردی مانند تولد یا فرزند خواندگی، ازدواج، طلاق، مشروعیت نسب، ایجاد رابطه نسبی در نتیجه فرزند خواندگی یا ازدواج را در بر می گیرند. این استثناء همچنین شامل شهادت بر اظهارات مربوط به مرگ اشخاصی که با گوینده اولیه از طریق نسبی، فرزند خواندگی یا ازدواج، ارتباط داشته اند یا به نحوی با خانواده آن ها نزدیک بوده اند که می توانسته اند اطلاعاتی دقیق در خصوص امور پیش گفته کسب نمایند می گردد.

۹- ملاک اولویت در شهادت مستقیم و غیر مستقیم:

این موضوع که شهادت مستقیم ارزش بیشتری دارد یا شهادت غیر مستقیم، به حقایق پرونده مطروحه در دادگاه بستگی دارد. به عبارت دیگر، نمی توان به طور مطلق در مورد برتری یکی از این دو نوع شهادت بر دیگری حکم داد (سجادی نژاد، ۱۹۱: ۵۲). در ایالات متحده آمریکا، قانونی مبنی بر اولویت دادن به یکی از دو نوع از شهادت مذکور وجود ندارد. در حالی که ممکن است عده ای بر این باور باشند که شهادت مستقیم بیشتر قابل اعتماد است، عده ای دیگر ممکن است معتقد به قابل اعتماد بودن شهادت غیر مستقیم باشند. برای مثال، یک شاهد، شهادت می دهد که متهم را در حین ارتکاب جرم دیده است لیکن اگر وکیل متهم بتواند نشان دهد که شاهد حافظه خوبی ندارد، شهادت مستقیم شاهد، غیر قابل اتکاء می شود. شواهد غیر مستقیم اغلب شامل مواردی مانند شواهد پزشکی قانونی و اثر انگشت است. بیشتر اعضای هیات منصفه دادگاه معتقدند که این نوع از شواهد غیر مستقیم در مقایسه با وقایعی که شاهد بیان می کند مشاهده نموده و قابل تفسیر است به شکل عینی تری ارتکاب جرم را نشان می دهد. قوانین حقوقی و کیفری کالیفرنیا بیان می کنند که هر دو نوع شهادت مستقیم و غیر مستقیم، قابل پذیرش در دادگاه ها هستند. قوانین ایالت کالیفرنیا برای هر دو نوع شهادت اهمیت یکسانی قائل است و بیان می کند که نمی توان قائل بر ارجحیت شهادت مستقیم بر شهادت غیر مستقیم یا بالعکس شد. طبق قوانین آمریکا، دادستان باید هر دو نوع

^۱ Declaration or statement against interest.

^۲ Statement of Personal or Family History.

شهادت اعم از مستقیم و غیر مستقیم را برای امکان محکومیت متهم به ارتکاب جرم مورد توجه قرار دهد. در حقیقت محکومیت به ارتکاب جرم ممکن است به واسطه شهادت مستقیم یا غیر مستقیم باشد، برای مثال، عناصر جرم، شرایط و اوضاع و احوالی که جرم در آن رخ داده، عمدی یا غیر عمدی بودن عمل متهم، از جمله مواردی است که دادستان باید به آن‌ها توجه داشته باشد (Buckles, 2003: 114)؛ وقتی یک دادستان یا وکیل مدافع، هر دو نوع شهادت را در جلسه دادگاه با حضور هیات منصفه ارائه می‌کنند، قاضی ممکن است مجبور باشد دستور العمل‌های خاصی را به هیات منصفه بدهد. برای مثال، قاضی ممکن است مجبور شود معنای دو نوع شهادت را توضیح دهد. یک دادستان از شواهد استنباطی استفاده می‌کند و این کار را برای اثبات هر عنصر اتهامی انجام می‌دهد (Kaplan & Waltz, John, 1984: 231).

طبق مطالب بیان شده می توان گفت در مورد موضوع شهادت، در اکثر کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا بخصوص آمریکا، شهادت مستقیم و غیر مستقیم پذیرفته شده است. طبق قوانین ایالت کالیفرنیا، آمریکا، شهادت مستقیم و غیر مستقیم در یک درجه از اهمیت قرار دارند و ملاک اولویت دادن به یکی از آن دو، تشخیص قاضی دادگاه است. در سیر تحولات نظام حقوقی کامن لا، اعمال قاعده عدم استماع شهادت بر مسموعات کم رنگ شده است. در قوانین فدرال ایالات متحده آمریکا که تابع نظام حقوقی کامن لا می باشد در مواردی تحت عنوان استثنائات قاعده عدم مسموع بودن شهادت بر مسموعات (مانند شهادت بر اقرار و اظهارات خود به خود بیان شده و...) شهادت بر مسموعات پذیرفته شده است. در باره شخص شاهد نیز تمایل کلی به پذیرش شهادت همه اشخاص و حذف یا حداقل کاهش عدم اهلیت ها، ناشایستگی ها یا جرح هایی است که در قوانین قدیمی یافت می شد. در نتیجه، در اکثر کشورها نظام ادله آزاد پذیرفته شده و تحدید اختیارات قاضی با مقررات محدودکننده لازم شناخته شده است؛ با وجود این مطلب باید توجه داشت محدودیت هایی برای شهادت شهود در قوانین کشورها وجود دارد. در حقوق ایران نیز قدرت ارزیابی و تشخیص قاضی نسبت به شهادت شهود دارای اهمیت است و چه بسا قاضی دادگاه پی به نادرستی اظهارات شاهد یا شاهدان ببرد؛ با وجود این موضوع، در ایالات متحده آمریکا آن گاه که دادرسی مستلزم مشارکت هیات منصفه است از آنجا که ارزش اثباتی به عنوان مساله ای ماهوی در نظر گرفته می شود، این هیات منصفه است که ارزیابی ارزش اثباتی را بر عهده دارد نه قاضی، در این مورد، قاضی قدرت اظهار نظر ندارد مگر آن که نظر هیات منصفه مغایر با عقل و منطق باشد که در این صورت نیز قاضی باید هیات منصفه دیگری تشکیل دهد و نمی تواند خود جانشین آن ها شود. تعارض شهادت از دیگر موضوعاتی است که در چارچوب حقوق آمریکا مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ایالات متحده آمریکا، زمانی که از لحاظ قانونی برای اعتبار و صحت قراردادی، نوشته لازم است مانند بیع اموال غیر منقول، شهادت توان اثباتی این قراردادها را نخواهد داشت؛ به عبارتی دیگر در این کشور، توان اثباتی گواهی در موارد مستلزم تنظیم سند، محدود خواهد شد. نهایتا باید توجه داشت در حقوق کشورهای غیر نوشته (کامن لا) شهادت در صورت مخالفت با مفاد و مندرجات اسناد عادی نیز مانند اسناد رسمی توان اثباتی نخواهد داشت که این امر مبین اهمیت بالای دلیل مکتوب در این نظام حقوقی می باشد.

نهایتا با توجه به مطالب بیان شده می توان گفت با توجه به سیر تحولات نظام های حقوقی دنیا از جمله نظام کامن لا شهادت شهود امروزه نقشی اساسی و مهم در دادرسی ها و تنظیم سیاست های حقوقی جوامع تابع نظام کامن لا ایفا می نماید.

۱. اسمعیلی، حسین، (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی ارزش اثباتی شهادت فاقد شرایط در دادرسی مدنی، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره چهارم شماره ۵
۲. انصاری، ولی الله، (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی، کتابخانه ملی ایران
۳. بارکر، دیوید؛ پدفیلد، کولین (۱۳۸۷)، حقوق به زبان ساده. تهران: نشر میزان.
۴. سجادی نژاد، احمد، (۱۳۹۱)، ادای شهادت در فقه و حقوق (ایران و چند کشور غربی و عربی)، آموزه های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶.
۵. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۸۳)، ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳.
۶. خانلری بهنمیری، حسین، (۱۳۸۹)، ارزش و توان اثباتی گواهی در امور حقوقی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و کامن لا)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۷. خزائی، سید علی، (۱۳۸۷)، تعارض سند با شهادت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق مصر و انگلیس، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۷.
۸. کریمی، عباس، شکوهی زاده، رضا، (۱۳۸۸)، قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات و استثنائات آن در نظام کامن لا با نگاهی تطبیقی به حقوق ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱.
۹. داوید، رنه؛ ژوفره اسپینوزی، کامی (۱۳۸۷)، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه سید حسین صفایی، تهران: نشر میزان.
۱۰. گلوردی، محمد رضا کاظمی، علیزاده، جواد محمد (۱۳۹۲)، بررسی ایین استماع شهادت، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی سال نهم، شماره سی و دو، تابستان.
۱۱. نریمان فر، نهال، (۱۳۹۷)، بررسی نقش شهادت شهود در نظام حقوقی ایران (با نگاهی تطبیقی به نظام های حقوقی کامن لا و سیویل لا) نشر مجد، چاپ اول.
۱۲. نوبهار، رحیم (۱۳۹۰)، بررسی فقهی الزام به ادای شهادت در دعاوی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰.
۱۳. نوری، ر، (۱۳۵۴)، مجازات قسم و شهادت دروغ، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۱.
14. Black, (Henry), 2004, "Law Dictionary", Eighth Edition, West Publishing Co, New York.
15. Buckles, (Thomas), 2003, "Laws of Evidence", Thomson, New York.
16. Eliot, D.W., phipsons Manual of the law of Evidence, 10 ed. sweet a Max well limited, London- Great Britain, 1972, p. 298.
17. Dennis, (M.A), 1999, "The Law of Evidence", Sweet & Maxwell, London.
18. Doyle, ch. (2007). Perjury numeral law, CRS Report for Congress, congressional Research sevice

19. Kaplan, (John), & Waltz, John. R, 1984, "Evidence, Cases & Materials", 5th edition, New York.
۲۰. Kelly, William (۲۰۱۰). An Independent Judiciary: The Core of the Rule of Law
21. Phipson, (M.A), 1922, "Law of Evidence", Sweet & Maxwell, London.
22. Strong, (John W). 1999, "McCormick on Evidence", 5th ed, West Group, New York.
23. Tapper, (Colin), 1990, "Cross on Evidence", Butterworths, London.
24. Watson, (Garry d.) & Bogart, (W.A.) & Hutchinson, (Allan C.) & Mosher, (Janet E.), & Roach, (Kent), 1991, "Civil Litigations, Cases and Materials ", Emond Montgomery Publication Ltd, Toronto, Canada.